

شرایط ملی حل مشکل افغانستان و پیامدهای بین‌المللی آن چگونگی نگاه "امارت اسلامی افغانستان" به جهان و جهانیان عواقب احتمالی تداوم تشنج در ماورای مرزهای کشور

اهمیت تصمیم‌های دستجمعی و چگونگی وابستگی متقابل مهندسی نمودن و هدایت افکار عمومی به مسیر مورد نظر آیا تقسیم بندی بر بنیاد "مفهوم قدرت" مطرح می‌باشد؟ موازنه قدرت و حفظ منافع ملی

حل و فصل منازعه بمتابۀ یکی از روش‌ها و فرآیندهای مؤثر در تسهیل و پایان بخشیدن مسالمت آمیز یک منازعه، تعریف شده است. اغلب اعضای متعهد گروه تلاش می‌ورزند که راه اطلاع‌رسانی فعال درباره علل اختلافات و طرز تفکرشان بدیگر اعضای گروه، یا از راه مداومت در مذاکره دستجمعی، بحل و فصل اختلافات گروه بپردازند. در نهایت امر، شیوه‌ها و رویه‌های متنوعی بمنظور برخورد با منازعه موجود می‌باشد، این شیوه‌ها تنها و صرف دربرگیرنده مذاکره، میانجیگری، دیپلماسی و ایجاد و پایه‌گذاری صلح مبتکرانه می‌باشد. عبارت حل منازعه همچنین ممکن است بمتابۀ جایگزینی برای حل و فصل مناقشه نیز بکار رود، مواردی که در آن مراحل داوری و دادرسی، کاربرد حیاتی دارد. از جانب دیگر، مفهوم منازعه را می‌توان شامل بهره‌گیری از اقدامات مقاومت بدون خشونت توسط طرف‌های منازعه در تلاش بمنظور تشویق به دستیابی براه حل مؤثر، فرض نمود. حل منازعه بمتابۀ یک رشته دانشگاهی نسبتن جدید شناخته می‌شود. مدل دغدغه‌دوگانه در حل و فصل منازعه بمتابۀ برداشت مفهومی تلقی می‌گردد. شیوه مسالمت آمیز یا "مصالحه جویانه" در منازعه با فرادی منحصر می‌گردد. کازسطح متوسطی از دغدغه برای دستاوردهای خود و دیگران برخوردارند. مصالحه جوها برای انصاف ارزش قایل گردیده، مراودات مبتنی بر برده و پستان را مورد استفاده قرار داده و در بسیاری از موارد بامر متذکره فوق ارجحیت قایل می‌گردند.

درس‌آغاز نیشته حاضر، یاددهانی این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، درگیری‌های مسلحانه نظامیان امریکایی، ناتو و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور ما، پایان یافته پنداشته شده و در واقعیت امر، این "طالب"ها بودند که برای بار دوم به مراتب قدرت در کشور دست یازیدند. بازگشت دوباره آنها در عرصه مناسبات سیاسی کشور، مستلزم تحلیل و بررسی همه جانبه دیدگاه "طالب"ها و کشورهای درگیر و چگونگی نحوه موضعگیری‌های آنها در مناقشه میهن ما در قبال یکدیگر می‌باشد. چگونگی روابط "طالب"ها با کشورهای یاد شده بر چه بنیادی قرار خواهد داشت و بر کدام منوالی سیر خواهد نمود؟ طرز نگاه و چگونگی دید "طالب"ها بویژه به مناطق و محلاتی که در امتداد دوده‌پسین تلاش بعمل آوردند تا بر آنها مسلط گردند، چگونه بوده و در نهایت امر، پرسشی که در اغلب رسانه‌ها و اطاق‌های تصمیمگیری مطرح است، از جمله یکی هم چگونگی طرز نگاه کشور های مختلف جهان در قبال "طالب"ها می‌باشد. در شرایط و وضعیت کنونی، با وجود آنکه طرز نگاه بازیگران بین‌المللی در قبال "طالب"ها بگونه‌ای متفاوت از قبل می‌باشد، اما در مورد اینکه در آینده‌ها و پس منظر وضعیت کشور، چه اتفاقاتی در شرف تکوین می‌باشد، پیشبینی‌ها و گمانه‌زنی‌های کاملن متمایز از هم مطرح می‌گردد. در نیشته حاضر سعی بعمل آمده تا با در نظر داشت واقعیت‌های عینی و ویژگی‌های جامعه افغانی و بر بنیاد اصل مناسبات طبقات و گروه‌های اجتماعی و چگونگی موضعگیری اقوام و طیف‌های وسیع و گسترده اجتماع افغانی در قبال یکدیگر، اندازه و درجه مشارکت در حیات سیاسی - اجتماعی، چگونگی برداشت شهروندان کشور عزیز ما از وضعیت کنونی و آینده

کشور مورد بررسی و پژوهش قرار داده شده و به پرسش های مطرح شده در فوق، پاسخ های قناعت بخشی ارائه گردد.

قابل تذکر تلقی می گردد که با بدست گرفتن اقتدار مجدد جامعه افغانی توسط "طالب" ها در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی و اعلام حکومت موقت در کشور، چرخشی در تاریخ کشور ما رونما گردید. پیروزی دور نخست "طالب" ها و بویژه تصرف کابل، منتج به تداوم سلطه پنج ساله آنها در جغرافیای کشور گردید. با سقوط و سرنگونی غیرمنتظره دولت طرفدار ایالات متحده، بازیگران بین المللی نه تنها در قبال ارائه پاسخ به چگونگی وضعیت موجود در کشور، چگونگی موقعیت اقتدار سیاسی ایجاد شده در محدوده آن و اصل برسمیت شناختن وضعیت ایجاد شده، سکوت اختیار نمودند، بلکه شرط هایی را نیز در موارد یاد شده پیشکش نمودند، حتا پاکستان، چین، روسیه، ایران، قطر و عربستان سعودی بمثابة حامیان دیرینه "طالب" ها نیز در موارد یاد شده، اصلن با اقدام قابل ذکری متوسل نگردیده، لب از لب نگشوده و بگونه صامد و بیصدایی پادها و اطوارهایی متوسل گردیدند.

بگونه سنتی، نه "طالب" ها و نه بازیگران بین المللی اصلن تصور هم نمی نمودند که تغییری و تبدیل و دست بدست گردیدن قدرت در کشور با این سرعت تکوین پذیرد. رهبری "طالب" ها اصلن باین باور نبودند که قوت های مسلح مجهز و تحت حمایت های گسترده ناتو و ایالات متحده، بزودی از هم بپاشد، اما بمشاهده رسید که در امتداد زمانی چند هفته، جنگویان "طالب" ها از مخفیگاه های شان به شهرهای بزرگ یورش برده و از جمله بر کابل نیز مسلط گردیدند. هنوز سازمان های بین المللی غیردولتی، کارمندان سفارتخانه ها و نظامیان امریکایی در کابل حضور پررنگی داشتند، اما آیا آنها بنحوی غافل گیر شدند و یا زیر کاسه نیم کاسه ایی قرار داشت؟ در شرایط اینچنینی، وضعیت منحصر بفردی در کابل حکمفرما گردیده و صدای تیراندازی های سارقان بگوش می رسید که خود گواه فروریختن کابل در چند ساعت بود.

سناریوی کشور عزیز ما افغانستان، آنعه اشخاص و افرادی را که چگونگی سیر درگیری ها را از بیرون تعقیب می نمودند، دچار سردرگمی نموده، رهبران کشورها، وزرای امور خارجه، نماینده های پارلمان و احزاب مختلف کشور های درگیر در مناقشه کشور ما را در وضعیت پلاتکلیفی غیرقابل تصویری قرار داد. اینک که چندین سال از بدست گرفتن قدرت توسط "طالب" ها سپری می گردد، تاکنون هیچکدام از کشورهای جهان در امر برسمیت شناختن رسمی حاکمیت "طالب" ها دل خوش نکرده اند. "طالب" ها که هنوز ستراژیژی امنیتی شان در جامعه افغانی نامشخص می باشد، یک شبه جاگزین دولت نسبتن دموکراتیک در کشور گردیدند. با وجود آنکه رهبران و دست اندرکاران درجه نخست حاکمیت جدید از عفو عمومی و استقرار مناسبات و روابط مسالمت آمیزی با جهان سخن می گویند، اما بمشکل بتوان باظهارات آنها اعتماد نمود. در کنار کوهی از مسایل و معضلات موجود، از جمله پرسشی که ذهن همه را بخود مشغول نموده، یکی هم اینکه در آینده های کشور ما، چه اتفاق و چه سرنوشتی در انتظار ارزش های دموکراتیک خواهد بود. آیا آنها بمنظور ایجاد و پایه گذاری دولت فراگیر در کشور از نیروهای اسلامگرا حمایت بعمل خواهند آورد و در مسیر یاد شده همت خواهند گماشت، برای سایر شهروندان کشور عزیز ما که با فاجعه انسانی روبرو می باشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پرسش های فوق، هرکدام نیاز به پاسخ های جداگانه دارند.

این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که سایر بازیگران شامل در معضل کشور ما، چه بگونه انفرادی و چه بگو نه دستجمعی، عمدتن از روزنه دید سیاست خارجی شان به تحلیل و بررسی مجموعه حاکمیت "طالب" ها، مبادرت می ورزند. با وجود اینهمه، بررسی نظریات کارشناسان داخلی و خارجی در موارد یاد شده، ضروری و حتمی بنظر می رسد. انتظار برده می شود که نوع دیدگاه های یاد شده مکمل همدیگر بوده و هم ارائه کننده چگونگی دید داخلی و هم مشخص کننده نقطه نظر و نگاه خارجی و جهانیان در مورد قضایای کشور عزیز ما باشند. با چنین رویکردی به تحلیل و بررسی همه جانبه رابطه "طالب" ها با سایر بازیگران خارجی خوایم پرداخت. اما قبل از آن، در مورد کُنه و ریشه "طالب" ها تذکر این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که در واقعیت امر، "طالب" ها از جمع کلمه عربی برای "طالب" گرفته شده است که به طلبه های مدرسه های دینی و مذهبی اطلاق می گردد. گروه یاد شده، بر بنیاد داده ها و اطلاعات ارائه شده، عمدتن در برگیرنده نوجوانان روستایی مناطق و محلات دور افتاده کشور عزیز ما افغانستان می گردد. کاز آموزش و مهارت های مورد نظر برخوردار نبوده و از ارتباط با شهرها و مراکز تعلیمی و تربیتی محروم می باشند. آنها بمثابة یک گروه قبیلوی محافظه کار و رادیکال، از رقابت در بازار کار نیز محروم می باشند. آنها در نتیجه مخالفت با مدرنیسم و موجودیت نارضایتی هایی از عملکردهای دولت افغانستان، با همکاری و حمایت های استخبارات داخلی پاکستان (آی.اس.آی) و سهمگیری و مشارکت سایر گروه های مذهبی، استخباراتی و اطلاعاتی

در منطقه، به گسترش ساحه نفوذ و وسعت تأثیرگذاری شان تلاش نمودند.

بخاطر ما باشد که بمنظور وسعت ساحه نفوذ و تداوم مقابله و رویارویی با نیروهای متخاصم، از "طالب" ها بمتأبه یک دارایی ستراتیژیک، استفاده ابزاری بعمل می آید کاین خود سبب ساز پایه گذاری و ایجاد را بطه و مناسبات آنها با سرویس ها و دسته بندی های اطلاعاتی می گردد. بر بنیاد دلایل گفته آمده و شواهد ارائه شده، "طالب" ها را باید در چار چوب سیاست ملی افغانستان، چگونگی تداوم مداخله ها و دست درازی های عوامل خارجی در مسایل منطقوی مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

بسیاری ها، قدم رنجه نمودن "طالب" ها در درگیری های کشور ما را نتیجه مستقیم حضور و موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان و شکست مجاهدین در عرصه حکومتداری و بمتأبه یکی از مهمترین رویداد های تاریخ کشور ما می پندارند. در مقطع زمانی ورود مجاهدین بکابل و پایه گذاری دولت اسلامی افغانستان بر هبری برها ن الدین ربانی، پاکستان از نخستین کشورهایی بود که با دولت یاد شده با استقرار مناسبات دیپلوماتیک مبادرت ورزید. اما وضعیت یاد شده برای نظامیان پاکستانی که بمنظور دسترسی مستقیم و بلا قید و شرط با آسیای مرکزی، به حفظ و تداوم موقعیت مسلط پاکستان در کشور ما و موجودیت یک رژیم دست نشانده و ضعیف و ایجاد ساختار دولتی نیم بند در کابل، تلاش های تب آلودی را انجام می دادند، اصلن قابل قبول پنداشته نمی شد. انتظار اینچنینی، بویژه پس از از فروری رژیم حاکم و ایجاد خلای قدرت، عملن در کشور بمشاهده رسید. حاکمان پاکستانی با استفاده از سردرگمی های ناشی از درگیری های قومی و معضلات تقسیم قدرت در کابل، متحدان شان در کشور ما را علیه کابل پرانگیختند. پاکستان در وضعیت و شرایط پسا شوروی، قادر به پایه گذاری و تشکیل حاکمیت و فادار باسلام آباد در کشور ما نگردیده و از جانب دیگر گویا نمی خواست که در درگیری های طولانی مدت در افغانستان شرکت نماید که با وضعیت اینچنینی، پاکستان قادر به مشروعیت بخشیدن جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور ما نگردیده و در نتیجه، از مساعدت های سخاوتمندانه مالی و کمک های هنگفت نقدی غرب نیز محروم گردید. بنابراین، آنها در جستجوی تدوین ستراتیژی جدیدی در ضدیت با رژیم مجاهدین به هدف جاگزینی رهبری جدید و جلب کمک ها و حمایت های بین المللی در کابل گردیدند. آنها از رهبران آسیب دیده، بویژه در مناطق و محلات جنوبی کشور ما، حمایت های لازمی را بعمل آورده و در امتداد سال ۱۳۷۲ خورشیدی، گروه کوچک و کم عده ای تحت عنوان "طالب" ها را مساعدت نموده و مورد پشتیبانی های همه جانبه و گسترده ای قرار دادند. با متحد نمودن طلبه های مدارس دینی و مذهبی، گروه متذکره، مخالفت خویش با حاکمیت کابل را ابراز نموده و پشتیبانی شان را از سایر شرکت کننده های درگیری های ضد حاکمیت موجود در کشور نیز اعلام نمودند.

با اینحال، برخی از تحلیلگران چنین می پندارند که "طالب" ها بمتأبه گروه کوچک و کم عده ایی در امتداد سال ۱۳۷۲ خورشیدی در کندهار عرض وجود نموده و مخالفت شان را در قبال اقدامات و چگونگی عملکرد رهبران مجاهدین اعلام نمودند. زمانی که "طالب" ها از حضور شان در متن قضایای کشور خبر دادند، پرسش هایی را در مورد چگونگی عملکرد مجاهدین مطرح نموده و ادعا نمودند که بویژه رهبران مجاهدین یاد شده، از آموزه های اسلام بمنظور توجیه اقدامات شان استفاده ابزاری بعمل آورده و در واقعیت امر، نه برای اسلام، بلکه بمنظور غصب قدرت در کشور می جنگیدند. بنابراین تصمیم گرفته شد تا بیشتر از این، بحاکمیت گروه حاکم نقطه پایان گذاشته شود. درین مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد که چگونه گروه نوتشکیل و کم عده ایی به نیروی قدرتمندی مبدل گردیدند؟ آیا حمایت ها و پشتیبانی های سخاوتمندانه بازیگران خارجی و دخالت های مستقیم و غیر مستقیم کشورهای چون پاکستان، ایالات متحده و عربستان، قبل از سایر موارد دیگر در مسأله یاد شده، نقش عمده و قابل توجهی ایفا نمودند؟

اما تذکر این مسأله لازمی پنداشته می شود که گروه یاد شده که خود را یک حرکت و جنبش اسلامی می پندارند، اما با دریغ و درد کاتها در اغلب موارد، مرتکب اعمال و انجام کارکردهای جنایتکارانه و خشونت آمیز، از جمله قتل و کشتار شهروندان بیگناه کشور گردیده و فعالیت های اینچنینی همچنان تداوم حاصل نمود. از جانب دیگر، "طالب" ها با چگونگی عملکردها و اثبات "اسلامگرایی" شان، تصویر نادرست، خشن و خصمانه ای از آموزه های اسلامی به جهانیان بنمایش گذاشتند.

اما پرسشی مطرح می گردد کآیا اقدامات و چگونگی عملکردهای آنها از آموزه های دینی اصول گرایان منشأ می گیرد یا واقعیت یاد شده را در بافت اجتماعی، فرهنگی و قومی کشور باید جستجو نمود؟ قابل یاددهانی پنداشته می شود که شرایط و وضعیت اجتماعی و تحركات معینی در کشور عزیز ما افغانستان، بخودی خود، راه را بمنظور بسط و گسترش دیدگاههای ارتجاعی از شبه قاره هند تا عربستان سعودی هموار نمود. "طالب" ها

با شعارهای پرسروصدای "حل و فصل معضلات ایجاد شده مجاهدین افغان"، در کشور ظهور نموده و در کنار سایر موارد گفته آمده، از جمله اهداف شان را خلع سلاح گروه‌های مجاهدین مسلح، منع کشت، زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر، مبارزه با فساد دولتی و کاهش جرم و جنایت در کشور برشمردند. اما هدف نهایی و استراتژیک آنها پایه گذاری و ایجاد "حاکمیت اسلامی" آنها بر بنیاد عقاید و تفسیرهای انعطاف ناپذیر و منحصر بفردی از آموزه های اسلامی بود.

یکشنبه ۱۷ ماه سرطان سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۷ ماه جولای سال ۲۰۲۴ ترسایی